

جستاری در سیاست فاجعه‌بار

فهرست

شماره ۱۰۰، زمستان ۱۳۸۷

پیشگفتار ۱

www.karaghadan.com

karaghadan@karaghadan.com

فصل نخست: از وضعیت به سیاست و برعکس ۱۲

کتاب جهان پدیداری و شکنجگی زندگی - یونسکو ۱۲

پدیداری کتاب ۱۲

پدیدار رخ و پدیدار برگ ۱۲

علی معظمی

کتابت سیاسی و راهبردی خردی انسان ۱۲

زیست جمعی و فعالیت‌های سیاسی ۱۲

زمان آندیستین و دوکیا ۱۲

مخاطب و مخاطب ۱۲

پدیدار کثرت آدمیان و سیاست ۱۲

گفرت و ضرورت ۱۲

فرزانه انسانیت: بودن هر رابطه انسانی ۱۲

نویسنده ۱۲

فصل دوم: از فرمان دوستی تا دشمنی ۱۲

انسانی و غیر انسانی: مرز آزادی ۱۲

انسانی و غیر انسانی: مرز مبارک ۱۲



نشر کرگدن

فهرست

- پیش‌گفتار ----- ۱
- فصل نخست: اندیشیدن به سیاست و مرزهای آن ----- ۱۳
- کالبد، جهان‌پدیداری و شکنندگی زندگی ----- ۱۳
- پدیداری کالبد ----- ۱۳
- پدیدار رنج و پدیدار مرگ ----- ۱۶
- ایمنی جستن و وابستگی ضروری آدمیان ----- ۲۰
- زیست جمعی و فعالیت‌های زیستی؛ زبان، ساختن و مبادله ----- ۲۳
- زبان، اندیشیدن و دوکسا ----- ۲۳
- ساختن و مبادله ----- ۲۹
- پدیدار کثرت آدمیان و سیاست ----- ۳۳
- کثرت و ضرورت ----- ۳۳
- درباره «انسانی» بودن «روابط انسانی» ----- ۳۹
- فصل دوم: از آرمان دوستی تا دشمنی ابدی: معرفی مفهوم فاجعه ----- ۴۳
- انسانی و غیرانسانی: مورد ارسطو ----- ۴۳
- انسانی و غیرانسانی: مورد مارکس ----- ۵۲

سیاست «انسانی» در میان «انسان‌ها»: نفی ابزاری‌نگری ----- ۵۸

«انسانیت» همچون «ابزار»: کارل اشمیت ----- ۶۵

معرفی مفهوم فاجعه ----- ۷۲

فصل سوم: وضعیت مشترک، آگاهی‌های مشترک و روابط قدرت ----- ۸۱

روابط ضروری میان انسان‌ها؛ از کالبد تا تصور ----- ۸۲

تصور ----- ۸۳

نیازی که از تصور برمی‌آید؟ ----- ۸۵

مقوله‌های مثبت و منفی ----- ۸۸

قدرت، روابط قدرت و تصمیم ----- ۹۴

قدرت به‌مثابه امری جمعی ----- ۹۷

اجبار و ترس به‌مثابه امکانات قدرت ----- ۹۹

قدرت به‌مثابه رابطه‌ای خالی از اجبار؟ ----- ۱۰۱

قدرت بیگانه‌شده و سلطه ----- ۱۰۳

قدرت و قدرت بر دیگری، در تصور دیگری ----- ۱۰۸

زبان، آگاهی‌های مشترک و فعالیت بشری ----- ۱۱۰

مقولات مثبت و منفی و شکل‌گیری جمع‌های انسانی ----- ۱۱۶

فصل چهارم: مقولات و سازمان‌دهی‌های قدرت ----- ۱۱۹

مقولات مثبت و منفی و شکل‌گیری سازمان ----- ۱۱۹

«پاسخ» به مقولات مثبت و منفی ----- ۱۲۲

منحصر به‌فرد بودن مقوله مرگ و تعیین‌کننده بودنش ----- ۱۲۴

پاسخ به مرگ؛ مرگ به‌مثابه تصویری سیاسی ----- ۱۲۸

اقسام پاسخ به مرگ ----- ۱۳۰

پاسخ تصویری به مرگ از نوع تتولوژیک ----- ۱۳۴

سازمان‌دهی نظامی: ملاحظه مرگ دیگری به‌مثابه امکانی برای
کنش جمعی ----- ۱۴۲

مفهوم «منافع» نظامی ----- ۱۴۸

فراگیر بودن سازمان نظامی با وجود ابداعی بودنش ----- ۱۵۰

انضباط؛ سازمان «دهی» نظامی زیست مشترک ----- ۱۵۵

فراگیر بودن سازمان تولید ----- ۱۵۸

فراگیر بودن سه سازمان و محدود بودن شکل‌های قدرت جمعی ----- ۱۶۲

تولید، اجبار، رضایت ----- ۱۶۲

فصل پنجم: سلطه و جامعه تصویری ----- ۱۶۷

سلطه و جریان یک‌سویه تصمیم؛ دوگانه ذهن-کالبد ----- ۱۶۷

تنازع تصمیم ----- ۱۶۷

سلطه و دوگانه تصمیم-فعالیت ----- ۱۷۰

سه روایت از سلطه در ارتباط با دوگانه ذهن-کالبد ----- ۱۷۴

روایت نخست: پادشاهی کهن در آینه‌ی الاهیات سیاسی قرون میانه ----- ۱۷۵

روایت دوم: هابز و کالبد میرای دولت ----- ۱۷۹

مقایسه دو روایت ----- ۱۸۶

روایت سوم: انباشت قدرت به‌مثابه فعالیت اصلی بشری ----- ۱۹۰

نگاهی به سه روایت ----- ۲۰۰

از جامعه تصویری تا خود تصویری ----- ۲۰۵

فصل ششم: فاجعه و آرمان آزادی ----- ۲۱۱

اقتصاد سلطه ----- ۲۱۱

فاجعه کجا رخ می‌دهد؟ ----- ۲۱۸

فاجعه چگونه رخ می‌دهد؟ ----- ۲۲۲

فاجعه‌آفرینان و نیندیشیدن ----- ۲۲۶

سیاست تنها کردن ----- ۲۲۹

از تنهایی تا همکاری ----- ۲۳۳

اندیشیدن و آرمان آزادی خواهی، در برابر فاجعه ----- ۲۳۶

کتاب‌شناسی ----- ۲۴۱

پیش‌گفتار

هوای مرگ را نفس می‌کشیم. نیازی نیست کسی این را به ما بگوید، همان‌گونه که رهبر سازمان زنان نازی در آیینگ، که روستای کشاورزی آرامی است، به تازگی به ما گفت، زمانی که این «پیشوا»ی ما را ستود چرا که «اگر جنگ به بدی به پایان رسد از سر نیک خواهی‌اش برای مردم آلمان مرگی آرام و آسان را با گاز تدارک دیده است». آه، داستان نمی‌سرایم. این بانوی دوست داشتنی آفریده‌ی خیال من نیست. با چشمان خودم دیدمش: چهل ساله‌ای گندمگون بود و مانند همه‌ی دیگرانی از این قماش دیدگانی جنون‌زده داشت؛ به یادتان آورم که پس از معلم‌مدرسه‌هایشان این ماده کفتاران در شمار متعصب‌ترین درویشان سماع‌زن هیتلری هستند. و پاسخ چه بود؟ آیا کشاورزان باواریایی، این فرزندان پدران آزاداندیش که هر زمان آماده‌ی قیام بودند، نکردند که دست‌کم این بانوی شعله‌ور را که چنان پرسوز آماده‌ی مرگ بود، به دریاچه‌ی آیینگ فرو کنند؟ چنین اندیشه‌ای هرگز از خاطرشان نگذشت. خاموش به خانه بازگشتند، سرهایشان را با پریشانی تکان دادند و با یکدیگر نجوا کردند که: سوگندانه کاری نمی‌توان کرد.

خاطرات فریدریش رک‌ماله‌چون، ۱۶ اوت ۱۹۴۴

(Reck-Malleczewen, 2000, 211-212)

۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰